

ملا احمد نراقی و کتاب سیف الامه و برهان الملة

U محمد کاظم رحمتی

U سیف الامه و برهان الملة

U ملا احمد نراقی

U تصحیح و تحقیق: سید مهدی طباطبایی

U پژوهشگاه علوم انسانی قم / ۱۳۸۵ ش

اشاره: بعد از حملات مغولان و سقوط خلافت عباسی، توجه و اتیکان به شرق اسلامی با داعیه گسترش مسیحیت بستری مناسب یافت و گروه‌های تبشیری روانه سرزمین‌های شرقی شدند. در دوران حکومت صفویه این جریان با شدت و حرارت بیشتری تداوم یافت و مبشران مسیحی متعددی به سرزمین‌های شرقی، از جمله ایران سفر کردند و ماحصل فعالیت‌های آنها، نگارش آثاری در تبیین مسیحیت و گاه خرده گیری بر اسلام بود و البته عالمان مسلمان نیز در مقابل به نقد و پاسخ گویی این آثار همت گماشتند. این حرکت با شدت و ضعف‌هایی در دوران افشاریه و زندیه نیز در ایران همانند سایر سرزمین‌های اسلامی تداوم یافت. اوج گیری مجدد حرکت‌های تبشیری در دوران قاجار که زمینه‌های لازم برای این حرکت را یافته بود، توسط مبلغی مسیحی به نام هنری مارتین به حرکت مهم تبشیری در ایران منتهی شد. در پاسخ به نگاشته‌های جدلی و تبشیری هنری مارتین عالمان شیعه آثاری تالیف کردند که از جمله آنها کتاب سیف الامه و برهان الملة یکی از موفق‌ترین پاسخ‌ها به آثار جدلی هنری مارتین بوده است. چاپ انتقادی این اثر به تازگی و به همت پژوهشگاه علوم انسانی قم منتشر شده است. نوشته حاضر مروری بر این کتاب و نکاتی درباره اهمیت این اثر است.

جریان حرکت‌های تبشیری در دوران صفویه به نحوی جدی در ایران آغاز شد. بخشی از این جریان که در حقیقت تداوم حرکت‌های تبشیری در شبه قاره هند بود، تأثیراتی نیز بر ایران نهاد. هر چند حرکت‌های تبشیری اساساً در سرزمین‌های اسلامی، از حیث تغییر دین به مسیحیت، تأثیر بسیار ناچیزی داشته، اما به پر بار شدن ادبیات جدلی در مقابله با فعالیت‌های قلمی مبلغان مسیحی کمک فراوانی کرده و ادبیات قابل توجهی با چنین رویکردی پدید آمده است.^۱ مبلغان مسیحی که در دوران صفویه گاه به عنوان فرستادگان دولت‌های اروپایی و گاه به عنوان جزئی از هیئت‌های اروپایی روانه ایران شده بودند، دست به فعالیت‌های تبشیری زده و آثار چندی را تألیف کرده‌اند. ثمره این‌گونه آثار قلمی در دوران صفویه، تألیفات ارزشمندی است که طبعاً برای بررسی تاریخ تحولات فکری و میزان آشنایی عالمان عصر صفویه با مسیحیت، برای محققان این حوزه آثاری در خور توجه است.^۲ در فترت سیاسی سقوط صفویه



برانگیخت. از سوی دیگر، بیماری مارتین نیز به دلیل آب و هوای خاص هند، ماندن در آنجا را برای او دشوار کرده بود. از این رو به پیشنهاد دوستانش و برای تکمیل ترجمه فارسی عهد جدید راهی ایران شد. دوران کوتاه اقامت کمتر از یک ساله مارتین در ایران به اقامت در نواحی جنوبی ایران و عمدتاً شهر شیراز گذشت (۱۸۱۲-۱۸۱۱ م.). در این شهر مارتین توانست شاعر و خطاطی به نام سید علی نواب شیرازی را به کسوت مسیحیت در آورد و به لطف تبحر همین شخص در زبان فارسی، تحریری جدید از ترجمه عهد جدید را نیز به انجام رساند. مارتین که پیش از سفر به ایران با سرجان ملکم که به تازگی از سفارت دوم خود از ایران به هند بازگشته بود، دیدار داشت و همو مارتین را از تندروی و تحریک احساسات ایرانیان برحذر داشت. ملکم توصیه‌ای جهت مارتین به سرگور اوزلی، سفیر بریتانیا در دربار فتحعلی شاه، نگاشت. دوران ورود مارتین به ایران مقارن با جنگ‌های ایران و روس بود.

هنری مارتین در ۲۹ ربیع الثانی ۱۲۲۶ / ۲۳ مه، ۱۸۱۱ به ایران رسید و در بوشهر رحل اقامت افکند. وی نخست، مدتی در منزل تاجری انگلیسی به سر برد و بعد به همراه هیأت سفارت اوزلی، روانه شیراز شد. در شیراز تاجری به نام جعفرعلیخان نواب، تاجری اصالتاً هندی و دارای روابط صمیمانه‌ای با ملکم عهده دار میزبانی مارتین شد. مارتین که پیش از حضور در شیراز به برخی اشکالات ترجمه فارسی پی برده بود اینک متقاعد شده بود که ویرایش کلی آن ترجمه ضروری است و از این رو پیشنهاد انجام ترجمه جدیدی به فارسی را پذیرفت. اقامت مارتین در شیراز نزدیک به یازده ماه (ژوئن ۱۸۱۱ تا مه ۱۸۱۲ / جمادی الاول ۱۲۲۶ تا ربیع الثانی ۱۲۲۷) به طول انجامید. در کنار کار بازنگری ترجمه عهد جدید که به همکاری سید علی انجام می‌شد، مارتین به بحث و مناظره و ترویج مسیحیت نیز توجه نشان داد. فعالیت‌های مارتین به برگزاری مناظره علنی با مجتهد شهر شیراز، میرزا ابراهیم فسایی، منتهی شد. این مناظره عمومی در تاریخ ۳ رجب ۱۲۲۶ / ۲۵ جولای ۱۸۱۱ در منزل مجتهد برگزار شد. در پی این مناظره شفاهی، آثاری، از دو طرف درگیر در مناظره تألیف شد. میرزا ابراهیم در رساله‌ای عربی به اثبات نبوت خاصه پیامبر اسلام (ص) پرداخت و در مقابل هنری مارتین نیز در سه رساله به فارسی به نام میزان الحق به بیان ایرادات و استدلال‌های خود پرداخت. توجه مارتین در مباحث خود، مسئله اعجاز قرآن و نبوت خاصه پیامبر (ص) بود. مارتین متأثر از سنتی که مبلغان مسیحی پیش از او چون ژروم گزاوله^۱ (جروم خاویه) و فیلیپ گوداگنولی^{۱۱}

تا برآمدن قاجار، حرکت‌های تیشیری با روندی کند اما نه منقطع، تداوم یافت. در دوران قاجار این حرکت‌ها، هم در ایران و هم در شبه قاره هند با نگارش آثاری از سوی دو مبلغ مسیحی موجی آفرید. این دو جریان که در تعاقب تاریخی پیوسته‌ای ظهور یافت، توسط دو مبلغ مسیحی به نام‌های هنری مارتین (۱۸۱۲-۱۷۸۱ م.) و کارل گوتلیب فاندنر (۱۸۹۱-۱۸۱۸ م.) شکل گرفت^۳. هنری مارتین^۴ مبلغ پرشور و شوق انگلیسی که در شهر ترورو، از شهرهای ایالت کارن وال واقع در جنوب غربی انگلیس، بی‌گمان یکی از جدی‌ترین مبلغان مسیحی است که در دوران قاجار فعالیت‌های فراوانی در نگارش و ترویج مسیحیت در ایران انجام داده است. هنری مارتین که در خانواده‌ای از مسیحیان متعصب متولد شده بود متأثر از پدر و خواهرش و تنی چند از استادان خود، تحصیل در ریاضیات را رها کرد و در دانشگاه کمبریج - که در آن زمان توجه جدی به تربیت مبلغان مسیحی داشت - به سلک مبلغان مسیحی پیوست.

هنری مارتین در ربیع الثانی ۱۲۱۲ / اکتبر ۱۷۹۷، در کالج سنت جان^۵ وابسته به دانشگاه کمبریج ثبت‌نام نمود. همان‌گونه که گفته شد کمبریج در این زمان متأثر از کوشش‌های مذهبی کسانی چون چارلز سیمون^۶ (۱۸۳۶ - ۱۷۵۹ م.) توجه جدی به تربیت مبلغان مسیحی داشت. هنری مارتین نیز متأثر از سیمون به فراگیری و تعلیمات تیشیری پرداخت و بعدها به انجمن تبلیغی کلیسای انگلیکان^۷ - که در ۱۷۹۹ م. به منظور ترویج مسیحیت بنیان نهاده شده بود - پیوست. مارتین در سال ۱۸۰۱ م. ۱۲۱۵/ق. از کالج سنت جان فارغ‌التحصیل شد و تا سال ۱۸۰۵ م. ۱۲۲۰/ق. به عنوان معلم کالج و مدتی نیز در سمت معاون کشیش فعالیت نمود. توجه به فراگیری زبان‌های مختلف، یکی از دلمشغولی‌های مارتین بود و او توانسته بود زبان‌های یونانی، عبری و لاتینی را فرا گیرد. بعدها مارتین به فراگیری زبان‌های شرقی، اردو و فارسی نیز توجه نشان داد، هر چند در این دو زبان تبحر لازم را هیچ‌گاه به دست نیاورد. به پیشنهاد سیمون، مارتین به کمپانی هند شرقی که در آن زمان سیطره موقفی بر هند به دست آورده بود، پیوست و سعی کرد تا با آموخته‌های خود در آنجا ضمن موعظه برای افرادی که در آن کمپانی به فعالیت مشغول بودند، بخت خود را نیز بیازماید. موعظه‌های مارتین توجه کارکنان کمپانی را چندان به خود جلب نکرد، زیرا مارتین در موعظه‌های خود بیشتر بر دوری از مصرف مشروبات اشاره داشت و این چندان خوشایند آنها نبود. فعالیت‌های پرشور و گاه تند مارتین خشم هندوان و مسلمانان را

قوانین در رساله‌ای کوتاه، ملا علی نوری (متوفی ۱۲۴۶) در اثری به نام حجت‌الاسلام، ملا محمدرضا همدانی (متوفی ۱۲۴۷ ق.) در اثری به نام مفتاح النبوه، شیخ علی بن عبدالله بحرانی (متوفی ۱۳۸۱ ق.) در کتابی به نام لسان الصدق و ملا احمد نراقی، فقیه و اصولی مشهور در اثری به نام سیف الامه و برهان المله به پاسخ گویی ایرادات فاندن پرداختند. تلاش برای پاسخ گویی دیگر عالمان به ایرادات مارتین به خلق سلسله آثاری تحت نام رد پادری انجامید که شیخ آقا بزرگ (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۱۴-۲۱۵) فهرستی از آنها را ارائه کرده است. در میان این آثار کتاب سیف الامه و برهان المله ظاهراً اثری خوشخوان‌تر بوده است. ردیه صاحب قوانین به علت کوتاهی و عدم فرصت یافتن میرزای قمی در تکمیل آن اثری مختصر که در آن میرزای قمی از دیدگاه اصولی و با تکیه بر بحث استصحاب به رد برخی از ایرادات فاندن پرداخته است. (متن کوتاه این رساله را استاد ارجمند آقای دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی با عنوان اعجاز قرآن: پاسخ شبهات پادری هانری مارتین در موضوع اعجاز قرآن، در مجله وحید، شماره دهم، دوره دهم ۱۳۵۱ ق. ۱۹۷۳/م، ص ۱۱۱۵-۱۱۱۸ و شماره یازدهم همان سال، ص ۱۲۲۵-۱۲۳۷ منتشر کرده است، که جای آن داشت که به عنوان ضمیمه در کتاب سیف الامه، متن آن تجدید چاپ می‌شد). اما پاسخ ملا احمد نراقی به کتاب مارتین، اثری از لونی دیگر است. نراقی در سه بخش نخست به بحث از مسائل عام نبوت و برخی دلایل اثبات نبوت پرداخته (ص ۳۷-۵۸) و فصل دوم را به بررسی مسئله نبوت خاصه پیامبر(ص) که مورد بحث مارتین بوده، اختصاص داده است (ص ۶۱-۱۸۷). مفصل‌ترین بخش کتاب، فصل سوم است که در آن نراقی به تفصیل به شبهات مارتین پاسخ داده است. همان‌گونه که مصحح محترم متذکر شده، نراقی در این بخش از کتاب خود از سه منبع محضر الشهود فی رد الیهود حاجی

بنا نهاده بودند و با بهره گیری از آثار آنها به نگارش رساله‌های خود پرداخته بود.

اندکی پیش از مارتین فردی به نام ژوزف سباستیانی که از جمله دوستان مارتین بود و به یوسف پادری شهرت یافته بود در اصفهان در برخوردی تند و جسارت‌آمیز با علمای آن دیار به بحث و جدل درباره مسیحیت پرداخته بود. تهیه ویرایش جدید فارسی انجیل در صفر ۱۲۲۷ / فوریه ۱۸۱۲ به پایان رسید و میرزا بابای خوشنویس کار تدارک نسخه‌های مذهبی از آن را برای هدیه به شاه برعهده گرفت. مارتین که اینک رسالت خود را پایان یافته تلقی می‌نمود، امیدوار بود شخصاً با شاه دیدار نموده و انجیل فارسی را به وی اهدا نماید. وی در خلال سفرش به تهران در اصفهان توقف کوتاهی نمود و در قم نیز خواستار دیداری با میرزای قمی شد که البته این مجتهد برجسته، عذرخواه کهولت سن خود شد. مارتین در تهران افزون بر این که موفق به دیدار شاه نشد، به ناچار در جلسه مناظره‌ای با حضور علمای برجسته پایتخت حاضر شد تا به مدعیاتش پاسخ گفته شود. مارتین نهایتاً راهی تبریز گشت تا در آن جا و تحت حمایت اوزلی به حضور نایب‌السلطنه شرفیاب شود. در ملاقاتش با عباس میرزا (۲۴ جمادی الثانی ۱۲۲۷ / ۶ جولای ۱۸۱۲) که در این زمان شدیداً درگیر پیامدهای شکست از روس‌ها بود، شاهزاده را فردی نیکوخصال یافت و بر آن بود که نسخه‌ای از انجیل را به او نیز تقدیم کند. اما پیش از این کار، شدت یافتن بیماری مارتین مانعی از انجام این کار شد. مارتین تصمیم به بازگشت به اروپا گرفت. اما در راه بازگشت در توقات در ۱۶ اکتبر ۱۸۱۲ برابر با ۸ ذی القعدة ۱۲۲۷ درگذشت. مارتین گرچه خود بخت و اقبال آن را نیافت که ترجمه فارسی انجیل خود را به فتحعلی‌شاه تقدیم کند، اما سرگور اوزلی که به او قول داده بود این کار را انجام دهد در ربیع الاول ۱۲۲۹ / فوریه ۱۸۱۴ این خواست وی را برآورده نموده و دست‌خطی نیز در نکوداشت پادری مسیحی و حمایت از اقدام وی از شاه ستاند. انتشار وسیع رساله‌های هنری مارتین، واکنش جدی علما را در پی داشت.^{۱۲} عالم اصولی نامور این عصر، میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی مشهور به صاحب

Jewish Aramaic Nevuat Ha-Yeled". *Iranian Studies*. 37 (2004), pp.69-94.

بحث از فائدر و اهمیت کتاب وی که آن نیز میزان‌الحق نامیده شده، تا به حال موضوع بررسی دو رساله دکتری بوده است. مهم‌ترین جوابیه که به کتاب فائدر تالیف شده، کتاب اظهارالحق، تالیف شیخ رحمت‌الله کیرانوی (۱۸۹۱-۱۸۱۸م) است. رضوان السید، گزارش کاملی را از دو رساله‌ای که به بحث از کتاب فائدر و اهمیت وی پرداخته‌اند در نوشته زیر آورده است: رضوان السید، *التفکر الاسلامی فی المسيحية: نظره فی وجه من وجوه تامل المسلمین للمسيحية فی الازمنه الحديثه و المعاصره*، در مجموعه‌ای از مولفان، *المسيحية و الاسلام مرايا متقابله* (بیروت: جامعه الیلمند۱۹۹۷م)، ص ۳۱-۴۸.

۳. در میان منابع فارسی، اثر زنده یاد مرحوم عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران ۱۳۸۰ ش. کامل‌ترین و مشروح‌ترین گزارش از جریان هنری مارتین را دربر دارد. عباس امانت نیز شرح مفیدی از مسئله هنری مارتین در مقاله زیر آورده است.

Abbas Amanat, «Missionaries and Mujtahids: Shīcī Responses to Christian Polemics in Early Qajar Period" in: Robert Gleave, (ed.), *Religion and Society in Qajar Iran* (London and New York, 2005), pp.247-269.

برای شرح حال هنری مارتین و دیگر مبشران مسیحی که در این مقاله نام آنها ذکر شده، می‌توان به اثر مرجع دائرةالمعارف شرح حال مبلغان مسیحی که زیر نظر جرالند اندرسون تدوین شده، مراجعه کرد. مشخصات کتابشناسی:

Gerald H. Anderson, ed., *Biographical Dictionary of Christian Missions* (Michigan, 1998).

4. Henry Martyn .
5. Truru .
6. Cornwall .
7. St. John .
8. Charles Simeon .
9. Church Missionary Society (CMS) .
10. Jeronimo Xavier.
11. Philip Godagnoli.

۱۲. به نوشته کلینوتن بنت (دائرةالمعارف شرح حال مبلغان مسیحی، ص ۴۳۸) نگاه‌ها به جدلی مارتین در اثری با این مشخصات منتشر شده است: *Controversial Tracts on Christianity and Mohammedanism* (1824).

بابا قزوینی یزدی از یهودیان یزدی که در همان دوران اسلام آورده بود و دو کتاب از آثار علی قلی جدید الاسلام از راهبان مسیحی عصر صفویه که دو اثر مهم به نام‌های سیف المومنین فی قتال المشرکین و هدایه الضالین تالیف کرده، بهره برده است. در حقیقت اطلاعات دقیق نراقی از مسیحیت مرهون کتاب سیف المومنین علی قلی جدید السلام است و مصحح محترم در پاورقی این موارد را متذکر شده‌اند. ایرادات و خرده‌گیری‌های مارتین درباره اسلام در حقیقت چیزی جز تکرار همان مطالب مکرر مذکور در سنت جدلی نگاری مسیحیت درباره اسلام نیست، هر چند خالی از برخی ظرافت‌ها نیز نیست. البته نویسندگان مسلمان اطلاعات ناچیزی از سنت ادبیات مجادله‌ای و مدافعه‌ای مسیحیت در قبال اسلام داشته‌اند و عمده آگاهی آنها به مطالبی بوده که نویسندگان مسیحی مسلمان شده داشتند، محدود بوده است (برای گزارشی از سنت مجادله نویسی مسیحیت بر اسلام بنگرید به هارتموت بویتسین، قرآن و متکلمان مسیحی، ترجمه محمد کاظم رحمتی در آینه پژوهش، شماره ۹۸-۹۹). نراقی گاه اشارات اجمالی به برخی فعالیت‌های جدلی اهل کتاب در روزگار خود نیز دارد. از جمله از عالمی یهودی ساکن در مشهد یاد کرده که رساله‌ای جدلی علیه اسلام تالیف کرده است (سیف الامه، ص ۳۰۷). کتاب به صورت چشم‌نوازی تنظیم شده و گاه توضیحات کوتاهی از مصحح نیز در پاورقی ذکر شده است. اشکالات جزئی نیز به کار تصحیح مصحح محترم وارد است از جمله آن که در موارد متعددی به منابع متأخری در تخریب مطالب کتاب ارجاع داده شده است. تصحیح این کتاب بی‌شک برای علاقه‌مندان به تحولات فرهنگی عصر قاجار و پژوهشگران این عصر مغتنم خواهد بود.

پی‌نوشت:

۱. برای گزارشی از فعالیت‌های تبشیری در هند برای مثال بنگرید به: Robert Eric Frykenberg, ed., *Christians and Missionaries in India: Cross-Cultural Communication since 1500* (London 2003).
۲. برای گزارشی از این ادبیات در دوره صفویه تا اوایل عصر قاجار بنگرید به: R.Pourjavady et S.Schmidtke, «Muslim polemics Against Judaism and Christianity in 18th Century Iran». *Studia Iranica* 35(2006). D.Tzadik, «Nineteenth Century Shīcī Anti-Christian Polemics and the